مهم‌ترین دستاورد پهلوی

در دوره پهلوی اول و دوم براساس اسناد و مدارک متقن به دفعات بخش‌هایی از ایران به بیگانگان واگذار شده است

گزارش

آثار مخرب برخی از خیانت‌های رژیم پهلوی با گذشت بیش از ۴۴سال همچنان باقی است و با هیچ‌گونه اقدامی قابل‌جبران نیست. مهم‌ترین خیانت این پسر و پدر، بخشیدن از اراضی ایران به کشورهای همسایه بوده است. در واقع رژیم پهلوی در امتیازدهی به بیگانگان و تحمیل قراردادهای استعماری به مردم ایران دست قاجار را از پشت بست. ضمن اینکه هم در دوره رضاشاه و هم در دوره پادشاهی پسرش، بخش‌هایی از خاک کشورمان جدا شد که نمونه برجسته آن جدایی بحرین از ایران است.

جالب اینکه در دوران سلسله‌های مختلف پادشاهی در ایران به‌استثنای پهلوی مرزهای کشور جز از طریق جنگ تغییر نیافته است اما جدا شدن بخش‌هایی از قلمروی این دیار در دوران پهلوی متأسفانه بدون هیچ‌گونه درگیری تجزیه شده و از آن تأسف‌بارتر اینکه درباریان و به‌طور کلی طبقه حاکمه در این ضربه زدن‌ها به تمامیت کشور و تحقیر احساسات ملی سهیم نیز بوده‌اند؛ مثلا در مورد جدایی بحرین گفتند: بحرین دختری بود که شوهر داده شد!

از این رو، مرور تاریخ معاصر و حوادث غم‌انگیز تجزیه ایران بزرگ می‌تواند ما را در شناخت دسیسه‌هایی که این روزها با منزه جلوه دادن خاندان پهلوی و مطرح کردن بازماندگان آن به‌عنوان آلترناتیو، یاریگر باشد.

چکاب را رضاخان به افغان‌ها فروخت

محمدعلی منصف، نماینده مجلس شورای ملی در زمان حکومت رضاخان، در کتاب خود می‌نویسد: بحث منطقه چکاب نزدیک بود بین قوای دولتین ایران و افغانستان ماجرایی به‌وجود آورد. اما از آنجا که سیاست و نظر شاهنشاه فقید(رضاخان) در جهت تأمین آرامش و آسایش عمومی مخصوصا در سرحدات ایران بود امیرشوکت‌الملک علم(پدر اسدالله علم) را احضار فرمود و به او دستور داد که ارزش چکاب چه از لحاظ سوق‌الجیشی و چه از نظر داشتن مراتع برای احشام بدان پایه نیست که همسایه ایران یعنی افغانستان ناراضی باشد و در روابط دولتین ایجاد سوءتفاهم کند و به ایشان دستور داد که اگر افغان‌ها حاضر شوند چکاب و تأسیسات آنجا را خریداری نمایند به افغانستان واگذار شود. و امیر نیز چنان کرده و آن منطقه را به افغان‌ها فروخت. (امیرشوکت‌الملک علم، امیر قائن، نوشته محمدعلی منصف، ص ۲۱۰)

قرارداد خیانت‌بار آلتای

در قرارداد آلتای که بین رضاخان و افغانستان به امضا رسید، کوه شمتیغ و چشمه زنگلاب در جنوب خط مکلین به افغانستان واگذار شد. بخشی از موسی‌آباد که محل سکونت زمستانی عشایر بود نیمه‌خاوری و با ثمر نمکزار و کلاته نظرخان در خاور منطقه یزدان نیز به مالکیت افغانستان درآمد. در بخش جنوبی خط مرزی ناشی از رأی آلتای نیز کلیه تصرفات افغانستان که از دیدگاه ایرانی‌ها همواره غاصبانه تلقی می‌شد متعلق به افغانستان شناخته شد و افزون بر این، منطقه چکاب که املاک خاندان خزیمه بود و همیشه در حاکمیت ایران قرار داشت هم به مالکیت افغانستان درآمد؛ قریه آسپران از جمله آبادی‌های مهم این منطقه بود که به افغانستان واگذار شد. (مرزهای ایران، محمدعلی مخبر، صص ۵۱-۴۹؛ کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج‌فارس، ص ۳۳۶-۳۳۴)

نمایی از دهکده فیروزه در شوروی سابق

بی‌تفاوتی رضاخان نسبت به قتل یکصد نفر از اتباع ایران

در گزارشی از کنسولگری ایران در سال ۱۳۱۳ درباره تلفات ایران از تجاوزهای مرزی عشایر افغان، اینگونه اشاره شده است: «از اول سال جاری که گفت‌وگوی تحدید حدود میان ایران و افغان به میان آمده است قریب یکصد نفر از اتباع ایران در طول خطوط سرحدات از طرف اشرار افغان به قتل رسیده‌اند.» این قتل و تجاوزهای مرزی در حالی صورت گرفته که هیچ‌گونه واکنشی نظامی از طرف حکومت رضاخان صورت نگرفته است.(اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، س ۱۳۱۳، پ ۳، صص ۳۴-۳۲)

بی‌عرضگی در بازپس‌گیری موسی‌آباد

افغانستان نسبت به منطقه موسی‌آباد که جزء خاک ایران محسوب می‌شد ادعای مالکیت داشت ولی این ادعا با ایستادگی دولت ایران و به‌ویژه نماینده ایران در حکمیت یعنی ناظم‌الملک به جایی نرسید اما پس از چند سال افغانستان ادعای خود را تکرار کرد و سرانجام در سال ۱۳۲۲ قمری موسی‌آباد به اشغال نظامی افغان‌ها درآمد و حکومت ایران در بازپس‌گیری آنجا هیچ‌گونه اقدام نظامی انجام نداد. (افغانستان و ایران، یوسف متولی حقیقی، ص ۳۲۴)

۲ هزار نفر روستایی ایرانی را به اسارت بردند

در شرایطی که رئیس‌الوزرا و وزیر خارجه ایران در منطقه مرزی و در تایباد به سر می‌بردند حمله‌ای از خاک افغانستان به داخل خاک ایران صورت گرفت در سیزدهم آذرماه ۱۳۱۳، عشایر افغان به منطقه زورآباد در شمال مرز ایران و افغانستان واقع در شمال تایباد و جنوب صالح‌آباد یورش برده ۲۵ روستا را غارت کرده، ۲ هزار نفر از روستائیان ایرانی را به افغانستان برده، ۱۲ نفر از نیروی امنیه (ژاندارمری) ایران را خلع سلاح کرده و ۳ نفر از آنها را کشتند. خسارت وارده به روستاهای ایران نزدیک به پنجاه هزار لیره استرلینگ برآورد گردید.(رسائلی در باب حکومت‌مندی، فصلنامه گفت‌وگو، ش ۴۴، آذر ماه ۱۳۸۴، صص ۶۰-۵۹)

۹۶۰ کیلومترمربع از ایران جدا شد

بنابر آنچه مهندس محمدعلی مخبر، مأمور فنی کمیسیون ایران در حکمیت آلتای و نگارنده کتاب مرزهای ایران، ابراز کرده است در زمان رضاخان و در قرارداد آلتای، آقای فخرالدین آلتای نزدیک به ۹۶۰ کیلومترمربع از خاک ایران را جدا و به افغانستان واگذار کرد. (کتاب مرزهای ایران، نوشته محمدعلی مخبر، ص ۵۱)

اشغال روستاهای مرزی در دوره رضاخان

با مقایسه بین نقشه سرحدات ایران و افغانستان در نقشه‌ای که در عصر مظفرالدین شاه قاجار ترسیم شده و اعتبار آن به تأیید لرد کرزن نیز رسیده است با نقشه سرحدات پس از حکمیت آلتای می‌توان ابعاد گسترده اشغال سرزمین‌های ایران به وسیله افغان‌ها در فاصله بین دوران مظفرالدین شاه و عصر رضاشاه را دریافت. بر این اساس، افزون بر نیمی از موسی‌آباد، نصف دایر و با ثمر نمکزار، ده کلاته نظرخان قریه، آسپران منطقه چکاب و کوه‌های شمتیغ و زنگلاب، قسمت‌های دیگری از خاک ایران همچون چاه ریگ، گدار شبیک، کاریزک چاه مزار و کنار کپه نیز به اشغال افغان‌ها درآمده بود. (نقشه چاپ‌شده، ترسیمی محمدرضا ابن‌مرحوم حسینعلی‌خان قراچه‌داغی در سال ۱۳۱۴ قمری، تاب تمامیت ارضی ایران، جلد اول، محمدعلی بهمنی قاجار، ص ۲۶۹)

اشتباه استراتژیک خلع‌سلاح عشایر

خلع سلاح عشایر توسط رضاخان این موقعیت را برای افغان‌ها فراهم کرده بود که به‌سادگی ده‌ها کیلومترمربع از خاک ایران را به‌دست عشایر افغان به اشغال درآورند.(اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۱۳، پ ۳، صص ۲۱۴-۲۱۱)

دشت ناامید در افغانستان

هدیه دهکده فیروزه به شوروی

دهکده فیروزه، در شمال شرق کشور و در ازبکستان امروزی قرار داشت؛ دهکده‌ای خوش آب و هوا و توریستی که از ایران جدا و به شوروی سابق الحاق شد. قرار بود شوروی بدهی خود را به ایران پس از جنگ جهانی دوم بپردازد، اما در موعد موردنظر، مصدق به عنوان نخست وزیر انتخاب شده بود. دربار پهلوی هم از شوروی خواست این بدهی را تا زمانی که مصدق بر سر کار است، نپردازد. پس از کودتای ۲۸مرداد، ایران درخواست کرد تا این بدهی پرداخت شود، اما شوروی از این کار ممانعت و در ازای پرداخت بدهی، دهکده فیروزه را طلب کرد. این دهکده زیبا هم به این راحتی از ایران جدا شد و بدهی شوروی هم بنابر برخی اظهارنظرها، مستقیم به حساب شخصی شاه در سوئیس واریز شد.

کوه‌های اطراف دهکده فیروزه

وقایع نگاری

رهبر معظم انقلاب:

ایران همیشه قبل از جمهوری اسلامی تجزیه شد

در دوره‌های قبل از جمهوری اسلامی، همیشه ایران تجزیه شد و همیشه از ایران کندند. هیچ‌کدام از سلاطین پهلوی و قاجار، این افتخار را ندارند که بتوانند بگویند ما مرزهای ایران را حفظ کرده‌ایم. قاجارها که وضع‌شان معلوم است. پهلوی‌ها هم، شهرهای مرکزی ایران را سال‌ها زیر چکمه سربازان خارجی انداختند و زن و مرد و ناموس این کشور را به‌دست آنها دادند. تنها جمهوری اسلامی بود که مردانه ایستاد و نگذاشت که متجاوزین یک قدم جلو بیایند.
سخنرانی در جمع مدیران و مسئولان مطبوعات کشور، ۱۳اردیبهشت سال ۱۳۷۵

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری:

همه قراردادها، واگذاری خاک بود

■ بحرین، همواره بخشی از ایران بوده و آخرین بار هم صادق‌خان زند، برادر کریم‌خان زند برای آرام کردن مناطقی که شورش کرده بودند، رفت. او کناره جنوبی خلیج‌فارس را طی کرده و از بحرین به کویت رفته و از آنجا به بصره می‌رود و سپس وارد ایران می‌شود. اسناد تاریخی متعددی در این رابطه وجود دارد. رضاشاه هم در سال ۱۳۰۶ رضایت داد که بحرین از ایران جدا شود.

■ براساس پیمان «آخال» که بین ایران و روسیه بسته شده و مرزهای شمال شرقی ایران را با روسیه تزاری و ترکمنستان امروز مشخص می‌کرد، دهکده‌ای به نام فیروزه که براساس تقسیم‌بندی جزء ایران بود، به‌دست روس‌ها افتاد و الان هم جزء ترکمنستان است. البته حالا کسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، ادعای ارضی نسبت به هیچ‌یک از کشورهای همسایه ندارد اما اینها بخشی از تاریخ ماست.

■ سال ۱۳۱۶ در زمان رضاشاه یکی از بدترین قراردادها بسته شد به نام پیمان سعدآباد. براساس این پیمان که با ۳ کشور اطراف یعنی عراق، ترکیه و افغانستان بسته شد، همه‌اش واگذاری خاک ما بوده و یک مورد هم پیدا نمی‌کنید که وقتی یک تکه از سرزمین ما به آن طرف رفته، یک تکه از سرزمین آنها هم به‌طرف ما آمده باشد، یعنی مبادله‌ای انجام شده باشد؛ مثل کاری که مرحوم میرزاتقی خان امیرکبیر در قرارداد «ارزروم» کرد و سلیمانیه که این طرف بود داده شد به عثمانی، خرمشهر (محمره آن زمان) که آن طرف بود، به ایران داده شد. یعنی مبادله‌ای انجام شد، اما در پیمان سعدآباد همه‌اش واگذاری از طرف ایران بوده است. یعنی بخش مهمی از آرارات که جزئی از ایران بود، واگذار شد به آتاتورک. بخشی از ایران واگذار شد به افغانستان و بخشی از مرز ایران که همین اروندرود باشد که بعداً بر سر آن بین ایران و عراق جنگ شد، در زمان رضاشاه، همه‌اش به عراق واگذار شد. اروندرود که در زمان میرزاتقی‌خان، خط منصّف (خط‌القعر) مرز قرار داده شده بود، در زمان رضاشاه، کل آن براساس پیمان سعدآباد به عراق واگذار شد. در هر سه کشور وابستگی به انگلیس وجود داشت. در ترکیه، مصطفی کمال‌پاشا و در افغانستان، امان‌الله‌خان و در عراق، فیصل همین وابستگی را داشت و هر سه، یک سیاست را اجرا می‌کردند.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی دکتر ولایتی

قاسم تبریزی؛ کارشناس تاریخ معاصر ایران:

رضا شاه سرچشمه‌های هیرمند را بخشید

کارشناس تاریخ معاصر ایران با بیان اینکه جدایی سرزمین‌های ایران در زمان پهلوی، فقط به بحرین ختم نمی‌شود، می‌گوید: «رضاشاه منطقه‌ای را در شمال غرب کشور به آتاتورک داد یا در شرق نیز منطقه‌ای را به افغانستان داد که سرچشمه‌های هیرمند بود. البته بخشی از این منطقه در اختیار ایران ماند که آن را نیز شاه به افغانستان واگذار کرد. وقتی علم به او گوشزد می‌کند اگر این منطقه برود، سیستان و بلوچستان با مشکل آب مواجه می‌شود، شاه می‌گوید: «برای آن فکری می‌کنیم.» اما هیچ فکری نشد و سیستان و بلوچستان که روزی بخش عمده‌ای از غلات ایران را تأمین می‌کرد، امروز با مشکل خشکسالی دست‌وپنجه نرم می‌کند.»

«قاسم تبریزی» با اشاره به این موضوع که بحرین، استان چهاردهم ایران بود اما انگلیسی‌ها که از ۱۲۰ سال پیش در خلیج‌فارس بودند، زمینه تجزیه کشورهای منطقه را فراهم کردند، ادامه می‌دهد: «انگلیسی‌ها چنان تسلطی بر جزایر خلیج‌فارس داشتند که اگر ساکنان بحرین می‌خواستند به سایر شهرهای ایران بیایند یا برعکس مردم سایر شهرهای کشور به بحرین بروند، باید گذرنامه می‌داشتند.» این کارشناس مسائل تاریخی با اشاره به وابستگی مقامات دولت پهلوی به آمریکا می‌گوید: «این افراد خائنانه زمینه جدایی بحرین را فراهم آوردند، فرایند جداسازی بحرین از ایران سال ۱۳۴۴ استارت خورد مثلاً اردشیر زاهدی که عضو سازمان سیا بود، به شاه اعلام کرد که «بحرین ظرفیت کشور شدن دارد» و شاه نیز گفت که «ببینیم نظر مردم بحرین چیست.» براساس یک طرح فریب، صندوق رأیی را تحت عنوان رفراندوم در یک هتل در بحرین می‌گذارند و تعداد اندکی می‌روند رأی می‌دهند. بعد اعلام کردند مردم بحرین خواهان استقلال هستند و شاه هم پذیرفت. نکته قابل تأمل در جدایی بحرین از ایران این بود که حکومت تحویل بحرینی‌ها نشد. خاندان حاکم بر بحرین، چند دهه قبل، از حجاز به بحرین رفته بودند و اصالتاً بحرینی نبودند. بعد از این اتفاق، بحرین پایگاه نظامی آمریکا در منطقه شد.»

منبع: خبرگزاری صداوسیما

محمد قائد؛ نویسنده و روزنامه‌نگار:

شاه از انگلیس رشوه می‌گرفت

محمد قائد درباره قضیه جدایی بحرین از ایران نکات جالب توجهی را مطرح می‌کند: «در گیرودار بحث بر سر استقلال بحرین و معاوضه آن با ۳ جزیره در خلیج‌فارس، شاه به علم مأموریت می‌دهد از سفیر انگلیس بخواهد برای وامی حدود «صد میلیون لیره» و با بهره کم از کویت مداخله کند. علم به سفیر هشدار می‌دهد که «جز شاه و من کسی از قضیه وام از کویت خبر ندارد و این ارقام در هیچ‌یک از آمارهای رسمی وام‌های کشور مندرج نخواهد شد.» این روزنامه‌نگار باسابقه و نویسنده می‌گوید: «نام این کار شاه چیزی جز تقاضای رشوه نیست. همه آن طعن و لعن‌ها درباره رشوه‌گیری حکومت قاجار از شرکت‌ها و دولت‌های خارجی انگار باد هوا بود و گربه سرانجام روی چهار دست و پا فرود می‌آید».

منبع: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

بازخوانی یک جدایی تلخ

چرا محمدرضا پهلوی بخشی از سرزمین مادری‌مان را بخشید؟

یکی از غیرقابل‌دفاع‌ترین اقدامات محمدرضا پهلوی، جدایی بحرین از سرزمین مادری‌اش ایران است که غالباً در فضاهای مختلف مطرح می‌شود؛ کاری که خیانت پهلوی‌دوم به حاکمیت ارضی و ملی ایران به‌حساب می‌آید. بحرین از گذشته‌های دور تحت‌حاکمیت ایران بود و پهلوی‌دوم بدون درنظرگرفتن این تاریخ، مذاکراتی با انگلیس انجام داد و تصمیم به جدایی استان چهاردهم از کشور گرفت.

استقبال محمدرضا شاه از شاه بحرین

کار خود انگلیسی‌ها بود/ از قدیم‌الایام و زمانی که ایرانیان باستان جزو قدرت‌های برتر جهانی بودند، شبه‌جزیره عرب چندان موردتوجه قدرت‌های جهانی نبود. البته حاشیه جنوبی خلیج‌فارس و سرزمین‌های یمن و غرب عربستان، قصه‌ای دیگر داشتند و به واسطه کمی آبادانی بهتر، موردتوجه بودند. به همین واسطه بود که حاشیه جنوبی خلیج‌فارس از دوردست تاریخ در اختیار ایران بوده اما این حاکمیت در اواسط سده نوزدهم میلادی توسط انگلیسی‌ها نقض شد. بریتانیا که آن روزها جزو حکومت‌های استعماری دنیا محسوب می‌شد، هر جایی که می‌توانست و زورش می‌رسید دست‌اندازی می‌کرد تا اینکه گذر انگلیسی‌ها به خلیج‌فارس هم افتاد؛ چراکه می‌خواستند هم از منافع این منطقه سود ببرند، هم جریان تجارت و ارتباط با هندوستان را از حیث امنیتی تأمین کنند. در نهایت اینکه اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹ شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه ۲۷۸ را صادر کرد. قطعنامه‌ای که در آن جدایی بحرین از ایران تأیید شد.

مرکز جزایر ایران/ بحرین منطقه وسیعی بود که به گواهی تاریخ این جزیره یا گَله‌جزیره یا مجمع‌الجزایر، در درازای تاریخ، همیشه بخشی از ایران بوده است تا اینکه در اوایل سده ۱۹، انگلیسی‌ها موقعیت خودشان را در هندوستان کاملاً مستحکم کردند و وارد خلیج‌فارس شدند و با قبیله‌های کوچک عرب که به‌دلیل سختی معیشت از صحرا به کنار دریا می‌آمدند، قراردادهایی بستند و این مناطق را به‌عنوان «کرانه‌های متصالحه» نامگذاری کردند. آنها قصد داشتند که این مسئله را در بحرین هم انجام دهند که با مقاومت دولت ایران روبه‌رو شدند تا اینکه در آبان سال ۱۳۳۶ جلسه هیأت‌دولت در کاخ مرمر و در حضور محمدرضا پهلوی تشکیل شد و در آن جلسه، تقسیمات کشوری جدید ایران موردتصویب قرار گرفت که مشتمل بر ۱۴ استان بود و همه جزیره‌های ایرانی در خلیج‌فارس به‌عنوان استان چهاردهم در آنجا به تصویب رسید که مرکزش بحرین بود.

نظرسنجی به جای همه‌پرسی/ اردشیر زاهدی، وزیر وقت امورخارجه بخشی از کارشناسان را نزد شاه برد تا با او صحبت کنند. محمدرضا هم در این جلسه گفت که انگلیس در حال تخلیه خلیج‌فارس است و قطعاً بحرین را به حکام عرب خواهد داد و ما نمی‌توانیم کاری بکنیم. در نهایت اینکه ایران و انگلیس پذیرفتند که فردی از سوی دبیر کل سازمان ملل متحد مأمور به این کار و نظر مردم بحرین را جویا شود؛ درحالی که عرف آن است که این جدایی‌ها از طریق همه‌پرسی تعیین تکلیف شوند. نظرخواهی جزو بدعت‌هایی بود که سابقه نداشت برای تعیین تکلیف جدایی یک منطقه مورداستفاده قراربگیرد. نظرسنجی ۳سؤال پیش‌روی مخاطبان قرارمی‌داد: پیوستن به ایران، تحت‌الحمایه بریتانیا بودن یا استقلال. شهروندان باید به یکی از این سؤال‌ها جواب مثبت می‌دادند. نماینده دبیرکل ۲هفته‌ای به بحرین سفر و با مردم و گروه‌های مختلف گفت‌وگو کرد. در نهایت اینکه گزارش خودش را دال بر اینکه مردم بحرین علاقه‌مند به جدایی هستند، تقدیم دبیرکل کرد. شورای امنیت هم قطعنامه‌ای صادر کرده و این تصمیم را به رسمیت شناخته و آن را به ایران و انگلیس ابلاغ کرد. چنین بود که دسیسه‌های آل‌خلیفه و انگلیس به بار نشست و در بیست‌وسوم مردادماه ۱۳۵۰، بحرین اعلام استقلال کرد و شگفت اینکه ایران، نخستین کشوری بود که این امر را تبریک گفت.

تحت‌فرمان ایالت فارس/ بحرین در اصل، به مفهوم ۲بحر یا ۲دریاست؛ نام منطقه‌ای در شمال‌شرقی جزیره‌العرب؛ جزیره‌ای که از شمال خودش، می‌تواند خلیج‌فارس را به ۲قسمت فرضی تقسیم کند. نام باستانی آن «اوال» بوده است؛ ترکیبی از «او» به‌معنای آب و «آل» که یک پسوند تشابه فارسی است به مفهوم جایی که آب دارد. بحرین یک سرزمین مجمع‌الجزایری است. این مجمع‌الجزایر از دوران کهن ایرانی و تحت‌سیطره ایالت فارس بوده‌اند. حاکمان آن نیز توسط ایرانیان تعیین شده و به آنجا می‌رفتند. طبق اسناد تاریخی، تا یک‌سده قبل از میلاد مسیح، این سرزمین‌ها ایرانی بوده‌اند. شرق‌شناسان می‌گویند که بحرین و سواحل خلیج‌فارس قبل از اسلام تحت‌سیطره ایرانیان بوده‌اند و قلعه‌های مختلف و پادگان‌هایی در نقاط مختلف آنها ساخته شده بود. یکی از فرمانروایان ایرانی که بر این خطه حکم می‌راند، «اسپیدویه» نام داشت که تا مدت‌ها به همین دلیل، بحرینی‌ها را اسپیدگان هم می‌گفتند.

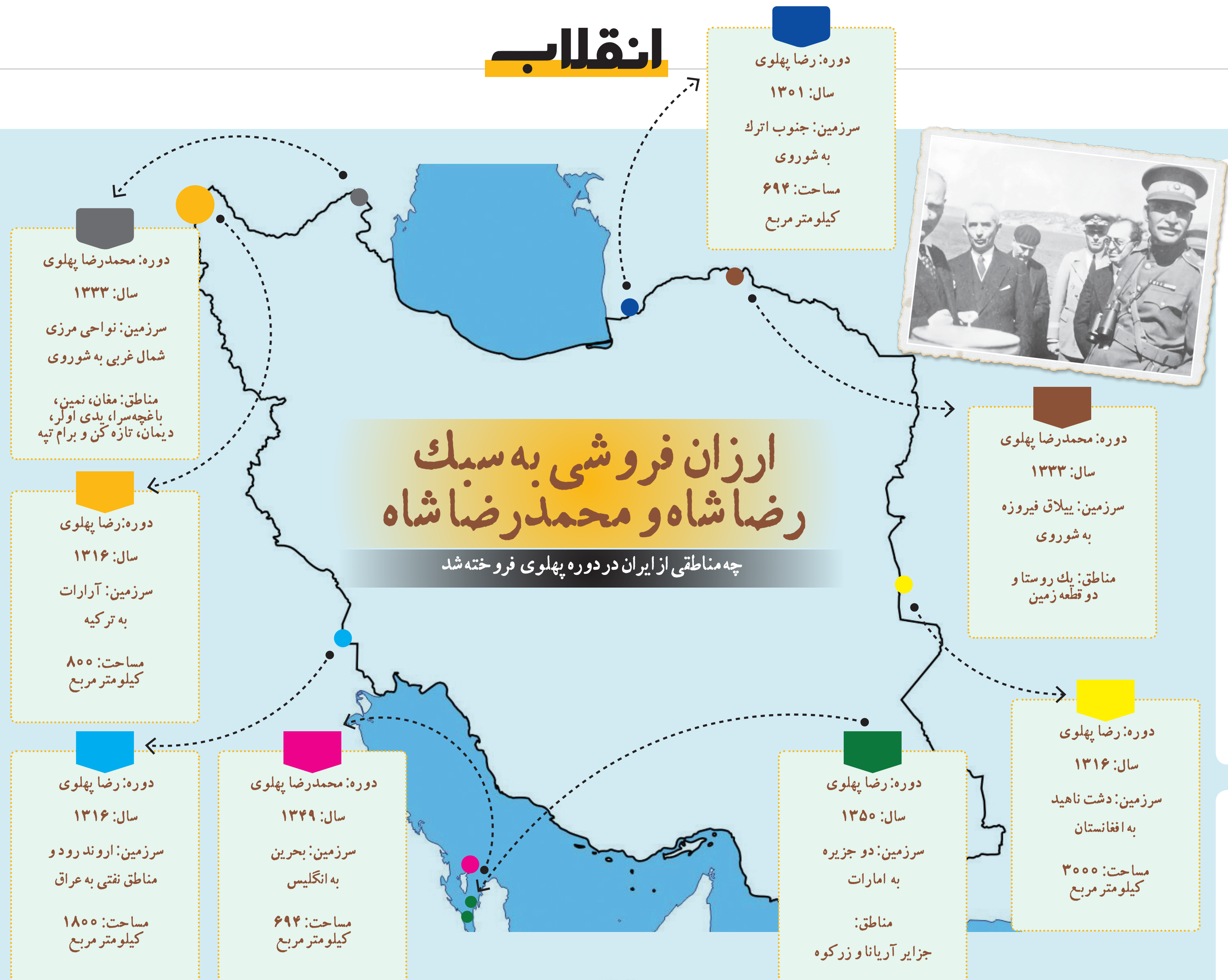
ارزان فروشی به سبک رضاشاه و محمدرضا شاه
چه مناطقی از ایران در دوره پهلوی فروخته شد
دوره: رضا پهلوی
سال: ۱۳۰۱
سرزمین: جنوب اترك به شوروی
مساحت: ۶۹۴ کیلومتر مربع
دوره: محمدرضا پهلوی
سال: ۱۳۳۳
سرزمین: ییلاق فیروزه به شوروی
مناطق: یك روستا و دو قطعه زمین
دوره: رضا پهلوی
سال: ۱۳۱۶
سرزمین: دشت ناهید به افغانستان
مساحت: ۳۰۰۰ کیلومتر مربع
دوره: رضا پهلوی
سال: ۱۳۵۰
سرزمین: دو جزیره به امارات
مناطق: جزایر آریانا و زرکوه
دوره: محمدرضا پهلوی
سال: ۱۳۴۹
سرزمین: بحرین به انگلیس
مساحت: ۶۹۴ کیلومتر مربع
دوره: رضا پهلوی
سال: ۱۳۱۶
سرزمین: اروند رود و مناطق نفتی به عراق
مساحت: ۱۸۰۰ کیلومتر مربع
دوره: رضا پهلوی
سال: ۱۳۱۶
سرزمین: آرارات به ترکیه
مساحت: ۸۰۰ کیلومتر مربع
دوره: محمدرضا پهلوی
سال: ۱۳۳۳
سرزمین: نواحی مرزی شمال غربی به شوروی
مناطق: مغان، نمین، باغچه‌سرا، یدی اولر، دیمان، تازه کن و برام تپه

۸۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران به ترکیه واگذار شد

با انعقاد عهدنامه موسوم به قرارداد ۱۳۱۰ راجع‌به تعیین خط سرحدی بین ایران و ترکیه به تاریخ دوم بهمن ماه ۱۳۱۰ بیست و سوم ژانویه ۱۹۳۲ خط مرزی جدید ایران و ترکیه تعیین شد؛ خط مرزی‌ای که براساس آن نزدیک به ۸۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران از جمله سرچشمه قره‌سو و نیز قله و دامنه آرارات کوچک از خاک ایران جدا شد ضمن اینکه از ادعای مالکیت ایران بر منطقه قره‌سو نیز که در آغاز دهه ۱۳۰۰ خورشیدی توسط اقبال‌السلطنه ماکویی تعقیب می‌گردید، رسماً دست برداشته شد. (مرزهای ایران، نوشته محمدعلی مخبر، ص ۸۳؛ تمامیت ارضی ایران، جلد یک، محمدعلی بهمنی قاجار، ص ۷۰۰)

مهم نیست این تپه‌ها (آرارات) مال کی باشند

سرلشکر حسن ارفع، رئیس ستاد ارتش پهلوی در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: رضاخان بعد از بخشیدن رشته‌کوه‌های آرارات کوچک به ترکیه در توجیه این کار خود گفت: مهم نیست این تپه‌ها مال کی باشند مهم این است دو کشور با هم دوست باشند. (در زمانه پنج شاه، حسن ارفع، صفحه ۲۸۹)

بقیه شط العرب برای شما باشد

باقر کاظمی، وزیر خارجه رضاخان، در خاطرات خود می‌نویسد: نوری سعید، وزیر خارجه عراق، با نهایت خضوع و خشوع و حالت گریه و تعظیم به رضاشاه گفت: «اعلیحضرت شایسته است به عراق ترحم فرمایند. ما کشور کوچک و ضعیف و نحیفی هستیم که حتی از ایالات ایران هم کوچک‌تریم، درصورتی که ایران به این بزرگی و عظمت و ثروت و جمعیت است و هزاران فرسخ در خلیج‌فارس و بحر عمان و دریای هند مجاورت با دریا دارد و عراق بیچاره بدبخت برای نفس کشیدن و زنده ماندن یک راه باریک به دریای آزاد دارد که شط‌العرب باشد که اگر آن را نداشته باشیم، گلوی ما فشرده می‌شود و خفه خواهیم شد... سپس به حال گریه و زاری گفت: اگر من به این وضع به بغداد برگردم، حیثیت و نفوذم لکه‌دار می‌شود و یک نوکر صدیق اعلیحضرت از بین خواهد رفت. شاه که در مقابل این حرف‌ها تحت‌تأثیر قرار گرفته بود گفت: جلوی آبادان مقداری به ایران بدهید و بقیه شط العرب مثل حالا باشد(برای شما باشد).» (یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کاظمی، باقر کاظمی، جلد ۳، صص ۴۶۷-۴۶۶)

با انعقاد عهدنامه سرحدی ۱۳۱۶، تلاش ۱۰۰ساله ایران برای احقاق حقوق خود در اروندرود از میان رفت و عهدنامه مذکور مالکیت تمام اروندرود را که ایران تا آن زمان حاضر به پذیرش آن نبود، به عراق واگذار کرد.

آرارات به ترکیه واگذار شد.

تصرف خاک ایران توسط شوروی

در هفدهم آبان ماه ۱۳۰۶، مأموران شوروی با کشاورزی دهقانان ایران در قریه سیدلر مخالفت کردند و زمین‌های کشاورزی سیدلر را به اتباع شوروی واگذار کردند. وزارت امور خارجه ایران نسبت به این اقدام مأموران شوروی اعتراض کرد؛ اما کمیسر ملی امور خارجه شوروی اعلام داشت هیچ نوع تجاوزی از طرف مأموران شوروی به خاک ایران نشده و اراضی مورد اعتراض خاک مسلم شوروی است. در ششم فروردین ۱۳۰۸ نیز نظامیان شوروی به منطقه واقع در بین آت‌توتان و آق‌بلاغ در جنوب قریه سیدلر یورش برده و بخشی از خاک ایران به طول ۱۵۰ متر و عرض ۳۵۰ متر را اشغال کردند. در سال ۱۳۱۱ خورشیدی نیز نظامیان شوروی به‌طور ناگهانی به پاسگاه مرزی ایران در قافلی بلاغ یورش برده و پاسگاه ایرانی را خراب و با خاک یکسان کرده و مأموران ایرانی پاسگاه را کشتند. در منطقه یدی‌لر در نزدیکی شهر آستارا و رودخانه آستارا نیز نظامیان شوروی پیشروی کرده و قطعه زمینی به طول تقریباً یک کیلومتر از خاک ایران را اشغال کردند. تمام این مناطق اشغالی تا پایان پادشاهی رضاشاه در تصرف نظامیان شوروی باقی ماند و دولت شوروی در این مناطق به انواع تصرفات مالکانه دست زده و تمام اعتراض‌های دولت ایران را رد کرد. (دروازه‌های ایران قفل است، ابوالحسن احتشامی، نماینده مجلس شورای ملی در زمان پهلوی، صص ۲۲۶-۲۲۳)

رویه انعطاف‌آمیز دولت ایران در برابر شوروی به انعقاد قرارداد اول اسفندماه ۱۳۰۶ بین دولت‌های ایران و شوروی در مورد استفاده از رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی واقع در امتداد خط سرحد از هریرود تا دریای خزر انجامید؛ قراردادی که آثار زیانبار آشکاری علیه منافع ملی ایران داشت و نه‌تنها اصل تنصیف را زیر پا گذاشت، بلکه حتی حقوقی در مورد رودخانه‌های صددرصد داخلی ایران به شوروی اعطا کرد. در مجموع می‌توان گفت، قرارداد اول اسفند ۱۳۰۶ از تضییع حق مساوی ایران در رود مرزی هریرود فراتر رفت و برای روس‌ها در آب‌ها و رودهای داخلی ایران نیز سهم و حق قائل شد؛ موضوعی که بی‌سابقه بود و هیچ‌گاه در دوره تزاری چنین امتیازی نصیب روس‌ها نشده بود. افزون بر این موارد، پس از به سلطنت رسیدن رضاشاه نیز، دولت ایران امتیاز صید ماهی در جنوب دریای خزر را به کمپانی مختلط ایران و شوروی واگذار کرد و تعرفه تجارتی را نیز بنا به میل شوروی و براساس تعرفه ۱۹۰۳ تعیین کرد. در مجموع بیشتر خواسته‌های دولت شوروی در زمان ریاست وزرایی و پادشاهی پهلوی اول برآورده شد.

شاه علاقه‌ای به حفظ بحرین نداشت

سر دنیس رایت، کاردار سفارت انگلیس در تهران، در مورد عقیده شاه در مورد بحرین می‌گوید که شاه از سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) به بی‌علاقگی‌اش در مورد بحرین اذعان کرده بود. رایت در این‌باره می‌نویسد: «گهگاه شاه مسئله بحرین را مطرح می‌کرد و می‌گفت مرواریدها تمام‌شده و نفت هم در شرف اتمام است و علاقه‌ای به گرفتن جزیره ندارد ولی به‌علت ادعای تاریخی ایران نسبت به آن خطه نمی‌خواهد در تاریخ از وی به‌عنوان پادشاهی یاد شود که ارثیه‌اش را بدون دلیلی موجه بر باد می‌دهد، به زبان دیگر، در پی فرمولی برای حفظ آبرو بود. (بحرین یادی از آن استان آشنای گمشده، فریدون زندفر، سفیر ایران در عراق، پاکستان و کویت در زمان پهلوی، ص ۱۴۲)

بحرین از نظر ما اهمیتی ندارد

شاه دلیل خود را برای موافقت با تجزیه بحرین در مصاحبه با روزنامه گاردین در ۵شهریور سال ۴۵(۲۷اوت ۱۹۶۶) اینگونه بیان می‌کند: با توجه به اینکه نفت بحرین دارد به پایان می‌رسد و مروارید به پایان رسیده است، بحرین از نظر ما اهمیتی ندارد. (تاریخ تجزیه ایران، هوشنگ طالع، نماینده مجلس در زمان پهلوی دوم، جلد ۲، ص ۱۴۱).

اطلاعات
بمناسبت امضای پیمان سعد آباد بین چهار کشور شرق

دیدار شاه با پادشاه بحرین

تاریخ شفاهی

تصرف ۲ جزیره منحصربه‌فرد

در دوران پادشاهی قاجار که قوای دریایی ایران در خلیج‌فارس تحلیل رفت، شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی این شاخاب که آن زمان در واقع کپرنشین بودند، به‌خود جرأت دادند تا از ضعف حاکمیتی حکومت وقت استفاده برده و از برخی جزایر غیرمسکونی ایرانی برای امور پهلوگیری قایق‌های صیادی و... استفاده کنند. شیخ‌نشین‌های امارات بالاخص شارجه در جزایر کاملا ایرانی آریانا و زرکوه در جنوب جزیره کیش مستقر شدند. با ورود نیروی دریایی انگلستان به خلیج‌فارس و انعقاد پیمان‌های متعدد با برخی شیخ‌نشین‌های این دریا و تحت‌الحمایه قرارگرفتن آنان از سوی امپراتوری بریتانیا، این جزایر به همراه جزایر سه‌گانه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ به‌تدریج توسط انگلستان اشغال شدند. با خروج انگلستان از خلیج‌فارس و متعاقب آن اعمال حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه در سال ۱۳۵۰، به‌علت غیرمسکونی‌بودن، جزایر ایرانی آریانا و زرکوه مورد توجه حکومت وقت قرار نگرفت و همین امر امارات را برای بهره‌برداری از آنها گستاخ‌تر کرد. طبق اسناد تاریخی‌ای که یکی از آنها، نقشه دریانوردی ترسیم‌شده توسط انگلیسی‌ها در اوایل قرن بیستم است، این دو جزیره در تملک ایران بوده‌اند، اما در نتیجه ضعف پهلوی‌ها، آریانا و زرکوه در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ شمسی، ابتدا به اشغال انگلیسی‌ها و سپس اماراتی‌ها درآمد. جزیره آریانا سواحلی بسیار زیبا با شن‌های سفیدرنگ دارد و به‌علت طبیعت خاص و گونه‌های جانوری کمیاب از سال ۲۰۱۲ در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار گرفت. از لحاظ ژئوپلیتیکی این جزیره در جنوب خلیج‌فارس بوده و حدود ۸۰ کیلومتر تا جزیره سیری و همین مقدار تا ابوظبی فاصله دارد. زرکوه یک جزیره و حدود ۱۴۰ کیلومتر با مرکز امارات فاصله دارد. در گذشته این جزیره یکی از مکان‌های مهم بانک‌های مروارید بود. میدان نفتی زاکوم متعلق به آن است که حدود ۵۵۰ هزار بشکه در روز تولید می‌کند و در این جزیره مسکن، یک مرکز تفریحی و سایر خدمات فرعی برای کارمندان زاکوم وجود دارد. این جزیره شامل یک فرودگاه خصوصی کوچک است که توسط شرکت توسعه میدان زاکوم اداره می‌شود. جغرافیای جزیره بیضی‌شکل با سطح صاف، طول آن حدود ۴ کیلومتر و عرض آن حدود ۲ کیلومتر است و به‌تدریج در نوک جنوبی خود شروع به افزایش می‌کند و با قله ۴۵۰ فوت پایان می‌یابد. این جزیره آب و درخت ندارد، اما دارای علف و بوته‌های کوچک کویری و سواحل جزیره صخره‌ای و ماسه‌ای است. محیط‌زیست این جزیره شامل لاک‌پشت‌های دریایی و پرندگان است و در سواحل آن لانه‌های لاک‌پشت‌ها وجود دارد که بیشترین سواحل لانه‌سازی در امارات ابوظبی است. میدان نفتی آن در سال ۱۳۴۲ کشف شد و توسعه آن توسط کنسرسیوم بی‌پی و توتال انجام شد. ظرفیت تولید نفت خام این میدان به‌طور متوسط، معادل ۵۰۰ هزار بشکه در روز است. میدان نفتی زرکوه با ذخیره درجای ۵۰ میلیارد بشکه نفت خام جزو دارایی شرکت ملی نفت ابوظبی شناخته می‌شود. این اتفاق وقتی قابل توجه است که سندی را به یاد آوریم که وزارت خارجه انگلیس، به مأمور مذاکره‌کننده خود می‌گوید ما می‌دانیم سیری متعلق به ایران است، اما این حق را در مذاکرات به رسمیت نشناسید تا ایرانی‌ها حاضر شوند برای به‌دست آوردن آن، درباره دیگر جزایر سکوت کنند.

وزیر دربار پهلوی دوم:

بحرین را دادیم ولی انگار فتح کرده بودیم!

امیر اسدالله علم، نخست‌وزیر دوران پهلوی دوم در خاطرات خود بارها به بی‌تفاوتی شاه به تمامیت ارضی ایران اشاره کرده است. او درباره دومین معاهده مرزی ایران و افغانستان که اولین بار در دوران رضاخان به امضا رسیده بود، در صفحه ۴۷۷ جلد ششم از خاطراتش نوشته است: «شنبه ۱۳۵۶/۳/۴ عرض کردم: آیا اجازه می‌فرمایید به وزیر خارجه ابلاغ کنم مبادله قرارداد را با افغان‌ها به تأخیر بیندازد؟ فرمودند: نه! پس از آن که قانون به توشیح من رسیده و اعلان شده، دیگر مبادله نشدن قرارداد تأثیری ندارد. من چنان از کوره دررفتم و گیج شدم که جسارت کرده به عرض رساندم: این هم مثل هزاران خلاف که به عرض مبارک می‌رسانند.» علم در ادامه نوشته است: «مقداری در این فکر بودم که این دولت هویدا به شاهنشاه من خدمت یا خیانت می‌کند؟ ارزش وجود یک ولایت را با امور اقتصادی سنجیده شود! بالعجب! یک وجب خاک [میهن] به میلیارد می‌ارزد، آن‌وقت بگوید سیستان که ارزش اقتصادی ندارد، حداکثر سالی ۴۰ میلیون تومان عایدی می‌دهد. من در عجبم.» وزیر کشاورزی دوران پهلوی در خاطرات خود به‌منظور مشخص شدن این موضوع که شاه به‌دستور آمریکا به جدایی بخشی از ایران تن داده، نوشته است: «بالاخره دیشب (ضربه) آخر را زدند. کسی چه می‌داند؟ شاید هم از ارباب‌های نامرئی دستور ارتکاب این خیانت را داشتند. به هر حال به شاهنشاه و کشور خیانت بزرگی شد که دیگر جبران‌پذیر نیست... البته این خیانت، ده تا پانزده سال دیگر ظاهر می‌شود که من مرده‌ام. ولی مثل این است که یک قطعه گوشت بدن مرا بریده و پیش چشم من جلوی سگ انداخته‌اند.» علم درباره واگذاری بحرین و تجزیه این بخش استراتژیک از کشور، در خاطرات خود نوشته است: «۱۳۴۹/۲/۲۲ شورای امنیت به‌اتفاق آرا میل مردم بحرین را در داشتن استقلال کامل تصویب کرد، نماینده ایران هم فوری آن را پذیرفت. خنده‌ام گرفته بود؛ گوینده رادیو تهران طوری با غرور این خبر را می‌خواند که گویی بحرین را فتح کرده‌ایم....»

خسرو معتضد، تاریخ‌نگار معاصر:

شاه می‌خواست کیش را بفروشد

خسرو معتضد، تاریخ‌نگار با بیان اینکه محمدرضا شاه پهلوی قصد فروش بخشی از اراضی کیش را داشت، اما نتوانست این کار را انجام دهد، می‌گوید: «علی دشتی که سناتور اسبق ایران بود، بعد از انقلاب گفت من کتابی می‌نویسم و از حقایق می‌گویم. او در کتاب خود نوشته است که پهلوی می‌خواست جزیره کیش را بفروشد. آنجا ۴ یا ۵ کاخ درست کرده بودند؛ کاخ شاهنشاه، کاخ شهبانو، کاخ هویدا، کاخ علم و کاخ ولیعهد. بعد فرانسوی‌های کلاهبردار را آوردند و آنجا هزار ویلا و هتل شایان یعنی هتل شاهان، هتل سه‌طبقه و هتل پردیس را ساختند. بعد قمارخانه و کازینو راه انداختند. پهلوی همه این حقه‌بازی‌ها را انجام داد تا مادام کلود برای برخی از کشورهای عربی، روسپی‌خانه در کیش راه بیندازد، اما اعراب آن سوی خلیج‌فارس نیامدند.» وی با اشاره به تلاش شاه برای فروش هتل کیش می‌گوید: «شاه گفته بود شرکت نفت باید هتل کیش را با بهای ۸۰۰ میلیون دلار بخرد. دکتر اقبال، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در دوره پهلوی دوم به علی دشتی، نماینده مجلس شورای ملی و سنای ایران گفت: «من دق کردم، چطور این ۸۰۰ میلیون دلار را از شرکت نفت به بنیاد پهلوی بدهم؟» چرا؟ چون پهلوی فهمیده بود که قرار است سقوط کند و می‌خواست از مملکت فرار کند.»

رفتار فریبکارانه انگلیسی‌ها برای ۲ جدایی

اقدامات بریتانیا برای جدایی بحرین از خاک ایران در مقایسه با واکنش بریتانیا برای جدایی ولز و اسکاتلند و ایرلند رفتار استعماری این کشور را بیش از پیش نشان می‌دهد.

اقدامات بریتانیا در مقابل اعلام جدایی ۳ کشور ولز، ایرلند و اسکاتلند

1. برگزاری همه پرسی‌های کنترل‌شده
2. سرکوب و بی‌توجهی به ندای جدایی‌طلبان در ولز، ایرلند و اسکاتلند
3. ملزم کردن ۳ کشور به اجرای قوانین اساسی بریتانیا

اقدامات بریتانیا در برابر سرنوشت بحرین

1. اشغال بحرین به بهانه مبارزه با برده‌فروشی و دزدی‌های دریایی
2. وارسی کشتی‌ها و مردم بحرین
3. شعله‌ور کردن جدایی‌خواهی‌ها در بحرین
4. نامه‌نگاری‌ها و پیگیری‌های دیپلماتیک با دولت ایران
5. رایزنی با سازمان ملل و تسهیل در برگزاری همه‌پرسی در بحرین
6. کنترل و کانالیزه کردن نظرسنجی
7. تطمیع متنفذین و سران قبایل برای شرکت درنظرسنجی
8. امضای قرارداد دوستی با دولت بحرین فردای روز استقلال

از زمان کورش بزرگ/ نخستین سندی که در آن از این جزیره یادشده، نوشته‌ای از شرح کارهای سارگون بزرگ آشوری در حدود ۲۸۷۲سال قبل از میلاد است. بحرین تا پیش از اسلام تا سده ششم‌هجری‌قمری به همه سرزمین‌های کرانه‌جنوبی خلیج‌فارس یعنی از بصره تا عمان اطلاق می‌شد. اما از سده هفتم‌هجری‌قمری پیش‌درآمدهای کرانه‌های جنوبی خلیج‌فارس و جزایر بحرین به یکدیگر درآمیخته و از روزگار فرمانروایی صفویه به بعد نام بحرین به جزایر اوال اطلاق و بخش کرانه‌ای نیز الحساء نامیده شد. تمامی تاریخ‌های فارسی و غیرفارسی اعم از اسناد رسمی و دولتی و کتاب‌های جهانگردان خارجی حکایت از آن دارد که بحرین از زمان‌های بسیار دور بخشی از سرزمین ایران بوده است. هخامنشیان با کمک دریانوردان فنیقی نیروی دریایی قوی‌ای ساختند و کورش بزرگ توانست در ۵۳۸سال قبل از میلاد حاکمیت ایران را بر سرتاسر آب‌های خلیج‌فارس و دریای عمان استوار کند. (جدایی بحرین از ایران؛ نفع ایران یا انگلیس/ گلناز کرنوکر)

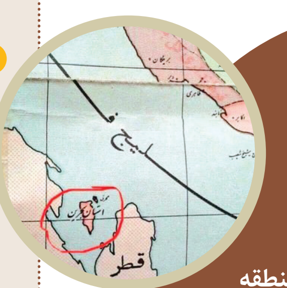

نتایج جدایی بحرین چه بود؟

1. افزایش نفوذ انگلیس در منطقه
2. خدشه به غرور ملی
3. از دست دادن مزایای اقتصادی و راهبردی بحرین

هجوم پرتغالی‌ها/ در زمان ظهور اسلام در جهان عرب و گسترش آن به پیرامون، فردی به نام منذربن‌ساوی بر بحرین حکم می‌راند که ساسانیان او را انتخاب کردند اما بعدتر حاکم دولت‌های اسلامی و خلفا شد. البته تا مدت‌ها خبری از حکومت‌های مستقل نبود تا اینکه با تضعیف خلفا و قدرت گرفتن سلسله‌هایی چون آل‌بویه، باز هم عمان، بحرین و... به ایران رسیدند. در سال ۶۹۸شمسی بود که قطب‌الدین کیش، پادشاه هرمز بحرین را کامل تصرف کرده و از آن به بعد، همه جزیره‌های خلیج‌فارس در اختیار ایرانیان بود تا اینکه نوبت به حضور پرتغالی‌ها در این نقطه رسید. آنها از ضعف حکومت‌های مرکزی در ایران استفاده کرده و استحکاماتی را در جزایر و نقاط مختلف خلیج‌فارس بنا کردند.

تیر خلاص یک پادشاه/ در بهمن ۱۳۴۶، محمدرضا پهلوی و مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهوری آمریکا ملاقاتی داشتند. بعدها گفته شد که شاه ایران در این ملاقات، اظهار کرده که نسبت به حاکمیت ایران بر بحرین علاقه‌ای ندارد اما چون این نقطه سال‌هاست که در اختیار ایران قرارداشته، نمی‌تواند یک‌دفعه بازی را خراب کند. سال بعدش هم در مصاحبه‌ای مطبوعاتی با مجله بیتلز گفت: «...موقع آن رسیده که انگلیسی‌ها از این نواحی بیرون بروند. بایستی اعتراف کنم که ما از انگلیسی‌ها نخواستیم یا به آنها نگفتیم که خلیج‌فارس را تخلیه کنند، آنها داوطلبانه عازم شده‌اند. سخن ما این است حال که آنها می‌خواهند بروند، تخلیه نواحی خلیج‌فارس بایستی واقعی و اساسی باشد. من می‌خواهم یک‌بار دیگر بیانی را که شخصاً در این زمینه گفته‌ام تکرار کنم و بگویم که اگر انگلیسی‌ها از در جلو خارج می‌شوند، نبایستی از در عقب وارد گردند و نیز نمی‌توانیم بپذیریم، جزیره‌ای که توسط انگلیسی‌ها از کشور ما جدا شده، توسط ایشان، ولی به‌حساب ما به کسانی دیگر داده شود. این اصلی است که ایران نمی‌تواند از آن صرف‌نظر کند. من می‌خواهم بگویم که اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند، هرگز به زور متوسل نخواهیم شد، زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ماست که برای گرفتن این سرزمین خود، به زور متوسل شویم. ثانیاً گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند چه فایده‌ای خواهد داشت؟»